

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۵۲

فصل ۸: ۱-۴

آیه حفظی برای ۲۷ ماه فوریه سال ۲۰۲۵

کتاب مقدس، مزمو ۲: ۱۲

۱۲ پسر را ببوسید مبادا غضبناک شود و از طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می‌شود. خوشبحال همه آنانی که بر او توکل دارند.

آیه حفظی برای ۶ ماه مارچ سال ۲۰۲۵

کتاب مقدس، اشعیا ۴۵: ۱

۱ خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که دست راست او را گرفتم تا به حضور وی امت‌ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود چنین می‌گوید.

مقدمه: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی فصل هشتم باز بفرمانید. واعظ و مبشر معروف مسیحی، آقای بیلی گراهام گفته: "تاریخ به ما می‌آموزد که هیچ دولت و حکومتی که توسط انسان ساخته شده است برای همیشه پیشرفت نخواهد کرد." و این حقیقتی است که فصل هشتم کتاب دانیال و تاریخ به ما می‌آموزد.

بیاد داشته باشید که ما بین فصل هفتم و هشتم چندین سال فاصله است. در فصل هشتم می‌بینیم که تاریخ امپراطوری های ایران و یونان (و سوریه که جزوی از یونان بود) سایه ای هستند از پیشگونی های آینده، و وقایع ایام آخر، روی کار آمدن، سلطنت، و نابودی ضد مسیح. آنچه که امروزه در خاورمیانه رخ می‌دهد با فصل هشتم دانیال مطابقت شگفت انگیزی دارد. در این جلسه تمرکزمان بر روی آیات ۱-۴ خواهد بود که همانطور که بجلو می‌رویم و به این آیات می‌رسیم آنها را خواهیم خواند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مطالعه امروز: در فصل هشتم زبان نگارش یافته به زبان عبری بر می گردد چون مطالب این فصل با آینده قوم اسرائیل مرتبط است. در فصل هشتم ما با رویای دوم دانیال روبرو می شویم. فصل هشتم بر روی حکومت امپراطوری های ایران و یونان و رابطه شان به اسرائیل تمرکز می کند. در این فصل خدا در رویائی که به دانیال می دهد، مرور کوتاهی بر تاریخ امپراطوری های ایران و یونان می کند. خدا در این رویا بطور کلی تاریخ این دو امپراطوری را دنبال می کند تا دوران حکومت **آنتیوخوس چهارم اپیفانس** پادشاه بدنام سلسله سلوکیه از ۱۷۵ تا ۱۶۹ پیش از میلاد.

ولی وقتی به این شخص می رسد، خدا جزئیات بیشتری در مورد او می دهد. از آنتیوخوس اپیفانس در فصل هشتم به عنوان شاخ کوچک نام برده شده است چونکه او یک نمونه کوچکی، یک آئینه ای از ضد مسیح اصلی فصل هفتم می باشد. و از این مقطع تا آخر کتاب دانیال تمرکز کتاب بر روی آن رویدادهای **استکه به قوم اسرائیل مربوط می شوند.** البته این رویدادها تاثیر بر کل جهان خواهند داشت.

این را هم بخاطر داشته باشید که امپراطوری سلوکی حکومت یونانی تبار بود که پس از امپراطوری اسکندر از ۳۱۲ پیش از میلاد تا ۶۳ پیش از میلاد بر مناطقی از غرب آسیا حکومت کرد. امپراطوری سلوکی در اوج وسعتش، کشورهای امروزی **ایران، عراق،** کویت، افغانستان، **سوریه،** فلسطین و بخش هایی از ترکمنستان و ترکیه را در بر می گرفت. که امروزه همگی کشورهای اسلامی هستند.

دقت کنید ایران، عراق، و سوریه که امروزه از کشورهای در دسر ساز خاورمیانه هستند جزوی از امپراطوری سلوکیه می بودند. بعد از مرگ اسکندر، امپراطوریش بین چهار تن از سردارانش تقسیم شد، آن پلنگ چهار سر در فصل هفتم نماینگر آن بود، و سرزمین های آسیایی آن به دست یکی از سردارانش به نام سلوکاس افتاد.

در تحت حکومت ایران، اسرائیلیان این اجازه را یافتند که از اسارتشان به سرزمین خود برگردند، و کشور خود و شهر اورشلیم را بازسازی کنند. ولی در تحت حکومت سلوکیان یونانی تبار، بخصوص در دوران حکومت **آنتیوخوس چهارم اپیفانس** که از سوریه حکومت می کرد، شهر اورشلیم و معبد خدا در آنجا دوباره تخریب و ویران می شود.

تم اصلی تمامی فصل هشتم این استکه در تمام طول تاریخ اغلب شریر پیروزی یافته و حتی بنظر می آید که در شرارتش لجام گسیخته است، حد و مرزی نداشته. اما در نهایت ایمانداران به مسیح تحت فیض خدا پایدار باقی مانده و خدا پیروزی آنها را تضمین کرده است.

در این جلسه می خواهیم بر روی چهار آیه اول فصل هشتم تمرکز کنیم. که اسم این قسمت را می شود گذاشت قوچی با دو شاخ. و تم اصلی این چهار آیه هم در پیوند با تم اصلی کل فصل هشتم این است که تاریخ نشان می دهد که **خدا چگونه جهان را برای آمدن خداوند عیسی مسیح آماده می سازد.** در آیه اول زمان این رویای دوم را پیدا می کنیم:

۱ در سال سوم سلطنت بلشصر پادشاه، رویایی بر من دانیال ظاهر شد بعد از آنکه اول به من ظاهر شده بود.

بلشصر نوه نبوکد نصر امپراطور قدرتمند بابل بود. و سال سوم سلطنت او به ما می گوید که مابین رویای فصل هفتم و رویای فصل هشتم دو سال فاصله است. یعنی از نظر زمانبندی فصلهای هفتم و هشتم مابین فصل های چهارم و پنجم رخ می دهند. آیه ۲ مکان این رویای دوم را مشخص می کند:

۲ و در رویا نظر کردم و می دیدم که من در دارالسلطنه شوشن که در ولایت عیلام می باشد بودم و در عالم رویا دیدم که نزد نهر اولای می باشم.

دقت کنید! دانیال در بیداری این رویای دوم را در **شهر بابل** دریافت می کند نه در شوشن یا شوش. از کجا این را می دانیم؟ از این جهت که زمان نگارش این فصل در سلطنت بلشصر نوه نبوکد نصر امپراطور بابل می بوده و در آن زمان شوشن یا شوش جزوی از امپراطوری بابل نبود بلکه ایران.

ولی در رویا به **شهر شوش یا شوشن** در ایران امروزی، در سرزمین عیلام، نزد نهر یا کانال اولای، منتقل می شود، همانطور که یوحنا در فصل چهارم کتاب مکاشفه به عرش خدا منتقل شد. کانال اولای، کانالی بوده است ساخته دست انسان که دو رودخانه نزدیک شهر شوش را بهم متصل می کرد. این دو رودخانه به احتمال بسیار زیاد **رودخانه های کرخه و دز** امروزی می باشند.

شهر شوش در امپراطوری ایران در ۱۵۰ مایلی شمال خلیج فارس و ۲۲۵ مایلی شرق شهر بابل، یکی از پایتختهای ایران می شود، پایتخت زمستانی. به این دلیل است که می گوئیم به احتمال قوی خود دانیال در شهر بابل می بوده و در رویا به این شهر شوش منتقل می شود چون در هنگام سلطنت بلشصر شوش جزو امپراطوری ایران می بود نه بابل. دانیال در این رویا قوچی می بیند.

۳ پس چشمان خود را برافراشته، دیدم که ناگاه قوچی نزد نهر ایستاده بود که دو شاخ داشت و شاخهایش بلند بود و یکی از دیگری بلندتر و بلندترین آنها آخر برآمد.

۴ و قوچ را دیدم که به سمت مغرب و شمال و جنوب شاخ می‌زد و هیچ وحشی با او مقاومت نتوانست کرد و کسی نبود که از دستش رهایی دهد و برحسب رأی خود عمل نموده، بزرگ می‌شد.

این قوچ که دو شاخ دارد و یکی از شاخهایش از دیگری بلندتر است و این بلندترین آخر بر آمد به چی اشاره می‌کند؟ تمامی دانشمندان کتاب مقدس معتقدند که این قوچ دو شاخ به امپراطوری مادها و فارسها اشاره می‌کند که در اتحاد با یکدیگر امپراطوری ایران را تشکیل دادند. در مورد ارتباط تشبیه قوچ با امپراطوری ایرانچند نکته را باید گفت. کتاب باستانی هست به نام **کتاب بُنْدَه‌شَن** که به زبان پهلوی در قرن ۹ میلادی نوشته شده است، و تفسیری است از کتاب اوستای زرتشتیان، فرشته محافظ پادشاهان ایران پیش از اسلام به شکل یک قوچ با دو شاخ تیز تصویر شده است. این کتاب همچنین ذکر می‌کند که شاهان ایران در جنگها، هنگامی که بر سر صف لشکریانشان می‌ایستادند، بجای تاج، پوست سر یک قوچ را به سر می‌گذاشتند.

دو شاخ به دو قوم مادها و فارسها اشاره می‌کند و اینکه دانیال می‌نویسد: **"یکی از دیگری بلندتر و بلندترین آنها آخر برآمد،"** دقیقا به این حقیقت تاریخی اشاره می‌کند که فارسها بعدا به مادها پیوستند و در نهایت در امپراطوری ایران برتری قدرت یافتند. و اگرچه امپراطوری ایران فتوحاتی هم در سمت مشرق داشت، ولی قسمت اعظم فتوحات ایران در سمت غربی، شمال و جنوب ایران می‌بود، همانطور که آیه ۴ می‌فرماید: **"و قوچ را دیدم که به سمت مغرب و شمال و جنوب شاخ می‌زد."**

آیه ۴ به فتوحات امپراطوری ایران بخصوص در سرزمینهای اسرائیل و فلسطین، سوریه، آسیای صغیر (ترکیه امروزی)، و مصر اشاره می‌کند تحت رهبری کوروش کبیر و کمبوجیه دوم، پسر ارشد کوروش، دومین پادشاه هخامنشی. هم اکنون هم ایران البته بسیار محدودتر از دوران طلایی گذشته اش، در خاورمیانه نقش مهمی دارد.

برآمدن امپراطوری ایران که پادشاهان آن فرمان آزادی قوم اسرائیل از اسارت بابل، اجازه بازگشت یهودیان به سرزمینشان و بازسازی شهر اورشلیم و معبد اورشلیم با حمایت مالی و نظامی ایران را صادر می‌کنند، همگی نشان می‌دهند که چگونه خدای کتاب مقدس، جهان را برای آمدن پسر یگانه اش عیسی مسیح از سرزمین اسرائیل آماده می‌کرد. بی دلیل نیست که خداوند از کوروش چنین یاد می‌کند در اشعیا ۴۵: ۱، **خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که: دست راست او را گرفتم تا به حضور وی امت‌ها را**

مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود چنین می‌گوید.

دقت کنید! در این آیه از کوروش کبیر به عنوان مسیح خداوند، مسح شده خداوند، نام برده شده است که خداوند دست راست او را می‌گیرد و به او پیروزی بر ملل مختلف عطا می‌کند. و این کوروش به خدای کتاب مقدس ایمان آورده و در ۲ تواریخ، فصل ۳۶، آیات ۲۲-۲۳ به این ایمانش شهادت می‌دهد.